خراسان رضوی

صفحه آخر

یک‌شنبه
۱۸ شهریور ۱۳۹۷
۲۸ ذی‌الحجه ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۹۴۰

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

به کسی که تو را امین قرار داده است خیانت مکن هر چند او به تو خیانت کرده باشد و راز او را فاش مساز اگر چه او راز تو را فاش ساخته باشد.

بحارالأنوار (ط-بیروت) ج ۷۴، ص ۲۰۸ - مستدرک الوسائل ج ۹، ص ۱۳۶، ح ۱۰۴۷۶

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
گاه گریَم که در اختیار دیوم از بس تاریکی بینم
باز ناگاه نوری تابد که جمله بشریت در جنب آن ناپدید بود
خدایا!
گاه از تو می گفتم و گاه از تو می نیوشیدم
میان جرم خود و لطف تو می اندیشیدم، کشیدم آن چه کشیدم
همه نوش گشت چون آوای تو شنیدم

با شاعران

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

احمد منصوب، هنرمند نقاشی که او را با پرتره‌های شهدایش بر در و دیوار شهرمان می‌شناسیم در تازه‌ترین پست اینستاگرامی خود، عکسی از آخرین اثرش را که یک نقاشی حرم- بارگاهی است؛ منتشر کرد و نوشت: «ای نقاشی‌هایَم قسمت مورفت! البته هنوز خیلی کار دره تا تموم بره. بری زیارت مجازی، بری سوغات زیارت، بری یادگار زیارت و- شاید- احیای عکاسی حرمَ بارگاه!»

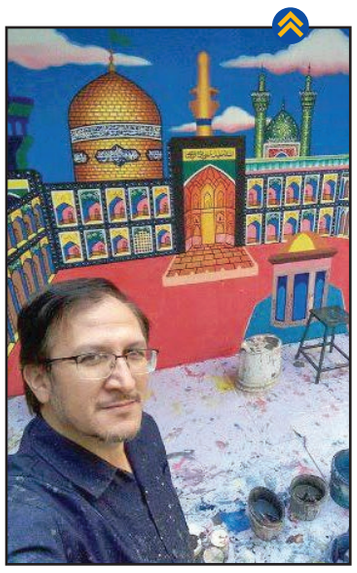

عکسی زیبا از طبیعت ارتکند

کیوان ساکت، استاد برجسته موسیقی در صفحه شخصی خود یاد استاد «فرهنگ شریف» نوازنده صاحب‌سبک تار را که ۱۷ شهریور ۹۵ درگذشته است، یک بار دیگر گرامی داشت.

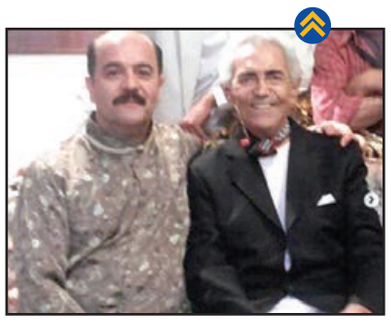

رضا رفیع، طنزپرداز و مجری خراسانی در اینستاگرامش یادداشتی در باب احوالات جامعه منتشر کرد. او در بخشی از متن این یادداشت نوشته است: «سال‌ها پیش داشتم تلفنی با هنرمند هم‌ولایتی‌ام استاد رضا کیانیان صحبت می‌کردم، پرسید حالتون چطوره؟... گفتم: نسبت به فردا بهترم! از این پاسخ من به فکر فرو رفت و گفت: چه جواب جالبی!..... این روزها می‌خواهم دوباره بهش زنگ بزنم و اگر پرسید حالت چطوره؟.... بگویم: نسبت به یک ساعت دیگه بهترم! و این گویا از مشخصات و مختصات مشرق‌زمین و به‌ویژه کشور ما ایران است که چنان ناخواسته در مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی، دست و پا می‌زنیم (والبته آقای ظریف فرمودند خواست خودمان بوده است!) که به جای لبخند زدن به آینده، بالاجبار هی برمی‌گردیم به گذشته لبخند می‌زنیم...»

حکایت

حکیمی را پرسیدند از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت آن که را سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.
نماند حاتم طایی و لیک تا به ابد / بماند نام بلندش به نیکویی مشهور
زکات مال به در کن که فضله رزرا / چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور
نبشته است بر گور بهرام گور / که دست کَرَم به که بازوی زور

گلستان سعدی

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

تصویری از یک مرد بیمار. عکس از مرکز اسناد آستان قدس رضوی

روایت‌هایی جالب از معالجه‌های عجیب در خراسان قدیم

از گوسفندپیچ کردن بیمار تا گچ گرفتن کچل‌ها!

اقدامات درمانی پزشکان بر این اساس پایه گذاشته شده که تا حد ممکن به بدن بیمار آسیبی وارد نیاید. اما همیشه اوضاع تاریخ از این قرار نبوده و روش‌های درمانی عجیبی در گذر زمان برای درمان بیماران اعمال می‌شده که امروز از شنیدن آن‌ها، متعجب و بعضا مشمئز می‌شویم. از سوراخ کردن جمجمه با مته بگیرید تا درمان به مدد عقرب و مار. در برخی از مناطق ایران قدیم هم بنا به گزارش منابع تاریخی، مردم برای معالجه خود به روش‌های عجیبی متوسل می‌شدند. از آن جایی که اغلب مراکز پزشکی و طبیبان در شهرها متمرکز بودند. بنابراین، در نواحی صعب‌العبور و دور از مراکز شهری، معالجه‌ها براساس تجربه و گاهی همراه با خرافات و غیر طبیعی جلوه می‌کرد. گزارش‌های قابل توجهی توسط سیاحان و دیگر نویسندگان راجع به معالجه در خراسان قدیم ثبت شده که در این نوشتار به گوشه‌ای از آن‌ها پرداخته می‌شود.

نسخه دعانویس‌ها و درویش‌ها و ملاها

در قدیم الایام، مردم اغلب برای معالجه امراض‌شان به دو دسته مراجعه می‌کردند. دسته اول دعانویسان و درویشان و ملاها بودند.
دعانویس‌ها اغلب دعایی روی تکه کاغذی نوشته و به مراجع خود دستور می‌دادند که آن را در میان دست مانند حب کرده و به مریض بدهند تا آن را ببلعد یا آن را در آب شسته و آن آب را به مریض بنوشانند.
درویشان نیز دعا یا دوایی به مریض‌ها می‌دادند اما دستور ملاها مفیدتر بود زیرا فقرا و مساکین از آن بهره‌مند می‌شدند، آن‌ها به اشخاص ثروتمند دستور می‌دادند که به مستمندان صدقه دهند تا حال مریض خوب شود. دسته دوم اطبا بودند که کم و بیش تحصیل کرده بوده ولی عمدتا در ایالات و ولایات اقامت و طبابت داشتند.[۱]

قلم فلوس

در گذشته طبابت به شیوه سنّتی بوده و مداوای بیماران با استفاده از داروهای گیاهی صورت می‌گرفته است. دکتر «ابراهیم سعادت»، مولف تاریخ پیشرفت‌های پزشکی در هفتاد سال اخیر، این موضوع را چنین تشریح می‌کند: طبابت تا قبل از شروع داروهای داخلی و خارجی به‌صورت اختصاصی بر دو نوع بود. عده‌ای از پزشکان که طبابت قدیمی می‌کردند یا جزو پزشکان مجاز بودند، به‌طور کلی از داروهای سنّتی و گیاهی استفاده می‌کردند و معمول بر آن بود که دو روز اول به بیمار جوشانده که عبارت بود از ترنجبین و گل بنفشه و گیاهان دارویی از این قبیل، (برحسب وضع بیمار و نوع بیماری) تجویز می‌کردند و معمولا روز سوم فلوس، که یکی از داروهای معمول و مصطلح بود، برایش توصیه می‌کردند. دانه فلوس به‌صورت فلس روی هم قرار گرفته و در یک لوله نباتی بود که آن را قلم فلوس می‌نامیدند، آن را شکسته و فلس‌های آن را جوشانده پس از جوشاندن مقدار زیادی در حدود ۵۰ گرم معادل ۱۰ مثقال روغن کرچک که به نام روغن چراغ معمول بود روی آن ریخته به بیمار می‌خوراندند.[۲]

معالجه‌های ظالمانه

دکتر جان ویشارد که از سال ۱۸۹۱ م./ ۱۳۰۸ ق. در ایران بوده و سال‌ها در بیمارستان آمریکایی تهران خدمت کرده، به نحوه معالجه بیماری‌ها در نقاط مختلف ایران اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بسیاری از روش‌های معالجه شرقی ظالمانه و دردناک است، من فقط از معالجه کچلی که در ایران زیاد هم دیده می‌شود، سخن می‌گویم. با معالجاتی ساده و مختصر می‌توان این قبیل دردها را برطرف ساخت، امّا ایرانی‌ها یک نوع گچ ساخته‌شده را به شکل کلاهی بر سر بیمار می‌مالند و منتظر می‌مانند تا گچ کاملاً در محل خود خشک و محکم شود؛ زیرا معتقدند: وقتی پوست سر و موها چند هفته زیرپوشش سخت گچ بمانند، میکروب‌ها کشته خواهند شد. تا این جای کار معالجه درد و نار احتی چندانی ندارد، امّا برداشتن این کلاه که همراه آن موها و گاهی پوست سر هم کنده می‌شود، برای بیمار یکی از دردناک‌ترین شکنجه‌هاست».[۳]

بیمار را در پوست گوسفند می دوختند!

نویسنده «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» نیز ضمن اشاره به مباحث پزشکی در خراسان نوشته است: «در این نواحی برای معالجه امراض به عملیات عجیب و غریبی می‌پردازند مثلا مریض را در توده پهنی که در حال تخمیر باشد می‌خوابانند یا او را لخت کرده و در پوست گوسفندی که تازه کنده باشند محکم می‌دوزند. سکنه این نواحی عقیده به دکتر اروپایی ندارند و وقتی به او مراجعه می‌کنند که دوافروش دوره‌گرد از معالجه اطبای بومی به کلی مأیوس شده باشد. فقط در شهرهای بزرگ عده قلیلی از مردم روشنفکر به دکترهای اروپایی مراجعه می‌کنند.[۴]»

مریض در حال احتضار

ایرانیان عادت زیان‌آوری هم دارند و آن این است که در موقع بستری شدن مریض اقوام و دوستان و آشنایان به دیدن او می‌آیند و با هم صحبت می‌کنند و اتاق مریض را از دود قلیان و چُپُق پُر می‌کنند و طریق معالجه را تحسین یا تکذیب می‌کنند. هرقدر حال مریض بدتر شود جمعیت زیادتری در اتاق او تشکیل می‌شود، حتی در موقعی که مریض در حال احتضار است عده زیادی که شماره آن‌ها به ۶۰ تا ۸۰ نفر می‌رسد در اتاق او جمع می‌شوند و او را به کلی ناراحت می‌کنند، در حیاط خانه هم اقلا ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر جمع می‌شوند و هیاهویی برپا می‌سازند.[۵]

معالجه‌های شوکت خانم

عبدالمجید مجیدفیاض، نویسنده کتاب «از باغ قصر تا قصر آرزوها» در بخشی از خاطرات خود به نحوه معالجه‌اش به‌صورت سنّتی در مشهد پرداخته است: «شبی در ناحیه راست شکم احساس درد کردم. دردی که کم‌کم وسعت گرفت و مرا مستأصل کرد. دردی بود توأم با استفراغ‌های پی‌درپی که از شدت بی‌تابی در مقابل آن مثل مار به خود می‌پیچیدم. زن پدرم، شوکت خانم که ادعای اطلاعات تجربی پزشکی داشت و در خانواده ما معروف به دکتر شوکت خانم بود و برای درد هر دردمندی نسخه‌ای می‌داد، بدون آن که از آپاندیسیت و احتمال عفونت و روده زائده چیزی شنیده یا دیده باشد و بفهمد که این علایم می‌تواند نشانه آن بیماری باشد به تصور این که دل‌درد من یک دل‌درد عادی و احتمالاً ناشی از سرما خوردگی است، راساً دست به معالجه من بی‌دست و پا و بی‌صاحب زد... ناشیانه آجری را در آتش به شدت داغ کرد و آن آجر داغ شده را در حوله‌ای پیچید و روی محل درد شکم من گذاشت. نه تنها این عمل را در آن شب چند بار تکرار کرد، بلکه مقداری جوش شیرین هم به حلق من ریخت که طبق گفته طبیب خانوادگی ما، دکتر قوام نصیری، همه این درمان‌ها دقیقاً ضد بیماری آپاندیسیت بود».[۶]

خودمان طبیب هستیم

پرنس ارفع‌الدوله در سال ۱۸۸۳ م./ ۱۳۰۰ ق برای مترجمی کمیسیون تحدید حدود خراسان سفری به کلات، درگز، قوچان و بجنورد داشته است. وی در بخشی از خاطراتش به ویژگی‌های مردم خاکستر از توابع کلات نادر اشاره دارد: پرسیدم هر وقت شما مریض می‌شوید؛ این جا طبیب دارید؟ گفتند: هیچ وقت مریض سخت نمی‌شویم و خودمان هم طبیب هستیم هر وقت یکی از ما سرما می‌خورد یا شکم درد دارد، درد او را با دوغ معالجه می‌کنیم. وقتِ شکم درد، مریض را می‌گذاریم توی پلاس و چهار گوشه او را به درخت می‌بندیم، می‌شود مثل گهواره و به مریض هر قدر ممکن است دوغ می‌دهیم و گهواره را به تندی می‌جنبانیم؛ این قدر استفراغ می‌کند که هر چه در معده دارد، خارج می‌شود، اما درباره سرماخوردگی؛ هر کس قولنج یا زکام می‌شود او را می‌اندازیم توی رختخواب و دو نفر از جوان‌های پُرقوت باید به نوبه آن قدر مالشش بدهند که عرق کند و وقتی که عرق کرد روی او چند تا لحاف می‌اندازیم تا خوابش ببرد و همین که از خواب بیدار شد ناخوشی‌اش تمام می‌شود. گفتم سالی چند نفر از جمعیت این جاوفات می‌کنند؟ گفت: امسال دو نفر فقط مرده‌اند، آن‌ها هم از همین کوه که می‌بینید پرت شده و مرده‌اند. بعد از این اطلاعات با میزبان خداحافظی و به قوچان مراجعت کردم و گزارشات را به دوستان گفتم.»[۷]

منابع

[۱]. سفرنامه از خراسان تا بختیاری. هانری رنه دالمانی. ترجمه علی محمد فره وشی، ص ۵۹۲
[۲]. تاریخ پیشرفت‌های پزشکی در هفتاد سال اخیر ۱۳۰۰ الی ۱۳۷۰. ابراهیم سعادت. تهران: مؤلف. بی‌تا، ص ۲۷-۲۸
[۳]. بیست سال در ایران. ویشارد. ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین. ۱۳۶۳، ص ۲۳۷
[۴]. سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۵۹۱
[۵]. همان، ص ۵۹۴
[۶]. از باغ قصر تا قصر آرزوها (خاطرات سیاسی یک عضو سابق حزب توده). عبدالمجید مجیدفیاض تهران: کویر. ۱۳۸۱، ص ۱۲۴
[۷]. ایران دیروز خاطرات پرنس ارفع (ارفع الدوله). رضا ارفع. تهران: ۱۳۴۵، ص ۱۳۲-۱۳۳

یادداشت

ارسلان قاسمی

نایب رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون ایران

حمایت از بخش کشاورزی زیربنای توسعه اقتصادی و حفظ امنیت غذایی

بخش کشاورزی در بیشتر کشورها از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی تامین کننده اشتغال، امنیت غذایی و نیازهای ارزی است. چنان که می‌توان از بخش کشاورزی به عنوان محور رشد و توسعه اقتصادی نام برد. درجه کاربری نسبتا بالای بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی همچون توان اشتغال‌زایی، امکان کسب درآمد ارزی، کاهش واردات محصولات کشاورزی از طریق افزایش تولید داخلی، راهبردی بودن برخی محصولات این بخش، فراهم آوری بخشی از نیاز بخش‌های صنعت و خدمات از جمله دلایل اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ملی است. بر همین اساس کشورهای مختلف با توجه به ظرفیت این حوزه و نقش آن در تولید، اشتغال و ایجاد امنیت غذایی، کوشیده‌اند تا از آن حمایت به عمل آورند و برای این منظور راهکارها و ظرفیت‌های متعددی تعریف کرده‌اند.
در واقع هدف از اعمال سیاست حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی باید کاهش هزینه‌های تولید، کاهش ریسک و افزایش کیفیت و بهره وری باشد.
علاوه بر این هرگاه بحث صادرات غیرنفتی مطرح می‌شود، صادرات محصولات کشاورزی به عنوان یک ظرفیت مهم در این عرصه مورد تاکید قرار می‌گیرد، زیرا طی سه دهه گذشته صادرات بخش کشاورزی به طور متوسط بیش از هفتاد درصد کل صادرات غیرنفتی را شامل می‌شده و نوسانات صادرات غیرنفتی متاثر از تغییر و تحولات مربوط به صادرات محصولات کشاورزی بوده است. حال به رغم آن که براساس آمارها، صادرات این محصولات طی چهار ماه ابتدای امسال، روند صعودی داشته اما این امر بدین معنا نیست که اتفاق ویژه‌ای در عرصه صادرات محصولات کشاورزی رخ داده است، چرا که این نرخ رشد به دلیل نوسانات ناشی از نرخ ارز بوده است.
باید این تاکید کارشناسان را یادآوری کنیم که توسعه کشاورزی به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی، در مراحل اولیه توسعه است و در مراحل بعدی رشد نیز این بخش نقش‌های عمده‌ای چون درآمدزایی، ایجاد اشتغال و تامین امنیت غذایی را ایفا می‌کند. همچنین نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که بخش کشاورزی معمولا با هر بخش دیگری به صورت رقابتی عمل نمی‌کند، بلکه رشد آن، می‌تواند مکمل رشد بخش‌های دیگر باشد.
به رغم تمامی تفاسیر فوق نباید از یاد برد که بخش کشاورزی با چالش‌ها و تنگناهای درونی زیادی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به نبود شفافیت لازم در برنامه‌های موجود، وجود مشکلات مالی و کمبود سرمایه، سطح پایین انگیزه در میان تولیدکنندگان چالش‌های زیست محیطی و کمبود منابع آبی و... اشاره کرد. متاسفانه تنگناهای مذکور طی سال‌های متمادی تداوم یافته‌اند. این تنگناها شرایط پیچیده‌ای را موجب شده و شکوفایی کشاورزی با تکیه بر نیروهای درونی بخش را دشوار کرده است. به صراحت می‌توان گفت که کمبود آب، خرده مالکی، سطح کم اراضی زیر کشت در کنار فقر نسبی موجود در مناطق محروم و روستایی تنها بخشی از این تنگناها هستند.
حال از آن جا که کشاورزان به دلیل فقر اقتصادی قادر به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و عمده در حوزه کشاورزی نیستند؛ کشاورزی برای ادامه حیات خود بیشتر از بخش‌های دیگر محتاج به حمایت‌های زیربنایی توسط دولت و بخش خصوصی است. متاسفانه به رغم تمامی تلاش‌های دولت، هنوز این بخش با مشکلات زیادی مواجه است که نشان می‌دهد حمایت‌ها و هدایت‌های دولت نتوانسته آن گونه که شایسته این بخش بوده، موثر واقع شود و از این رو باید دولت حمایت بیشتری از بخش کشاورزی به عمل آورد.
در حقیقت با توجه به وضعیت سیاسی و تحریم‌های جدید یک جانبه علیه کشورمان باید بحث تامین امنیت غذایی در چارچوب حمایت از تولید محصولات کشاورزی داخلی و با حساسیت و دقت بیشتری پیگیری شود. علاوه بر این با توجه به فشارهای بین المللی نیاز است تا به دنبال شناسایی بازارهای جدید باشیم تا بتوانیم روند صعودی صادرات را حفظ کنیم. با این حال می‌توان به صراحت اعلام کرد که همواره محصولات غذایی به طور مستقیم تحت الشعاع تحریم‌های خارجی نبوده بلکه این حوزه از تحریم‌های بانکی و حمل و نقل اثر سوء پذیرفته است. با این حال دولت باید سیاست‌هایی همچون یارانه تولیدی و خرید تضمینی را به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی در بخش کشاورزی با هدف رشد تولید داخلی و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش صادرات اعمال کند. از این رو باید نقش دولت، اتاق‌های تعاون و بازرگانی در زمینه حل مسائل بخش کشاورزی پررنگ‌تر شود. تاکید دیگر در این بخش، تعریف مشوق‌های لازم از سوی دولت به منظور حمایت از بخش خصوصی است؛ چرا که سرمایه‌گذاری باعث کاهش ریسک و نبود قطعیت درآمدی و تشویق کشاورزان در زمینه تولید بیشتر و بهتر محصولات و افزایش حاشیه امنیت غذایی می‌شود.
در جمع‌بندی این بحث باید گفت، از آن جا که تامین غذای مورد نیاز مردم و امنیت غذایی از وظایف عمده و مهم دولت است، رشد و توسعه بخش کشاورزی باید بیش از پیش مدنظر مقامات مسئول و متولیان امر قرار گیرد تا حمایت‌های خود را از بخش کشاورزی توسعه دهند و زمینه ایجاد اشتغال و امنیت غذایی را از این مسیر فراهم آورند.

بریده کتاب

همیشه راه پیشرفت برای شما باز است و جای رشد دارید. خیلی از آدم‌ها زندگی شان را به حسادت و سرخوردگی می‌گذرانند و از این که دیگران به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند ناراضی هستند. فکر می‌کنند زندگی یک پیتزای پپرونی است و هرگاه کسی موفق می‌شود، یک تکه آن کم شده و سهمی برای آنان نمی‌ماند. نکته‌ای که به آن توجه نمی‌کنند این است که پیتزا تنهایکی از غذاهای موجود در بوفه آزاد است. باز هم پیتزاهای دیگری در ظرف خواهند گذاشت. وقت و نیروی تان را بی‌خودی هدر ندهید که چرا دیگری قبل از شما آمد و آن تکه را زودتر برد. سهم شما در تنور است...!

فیروزه جزایری/ خندیدن بدون لهجه

دیالوگ

پیروز (امیر جدیدی): وقتی که رخ تنها می‌شه و دیگه هیچ مهره‌ای نیست که کمکش کنه، وقتی که همه امیدش رو برای پیروزی از دست داده و خسته شده، آخرین راه حل رو انتخاب می‌کنه؛ خودش رو نابود می‌کنه تا بازی مساوی بشه... آن قدر از یه خونه به خونه دیگه میره تا بالاخره تو یه خونه بهش تیر خلاص بزنن... توی شطرنج به این وضعیت میگن «رخ فداکار»... یه اسم دیگه‌ای هم داره که من اون اسمو بیشتر دوست دارم...

«رخ دیوانه» - کارگردان: ابوالحسن داودی